

راهنمای برنامه‌ی درس فلسفه
دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی
رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

صفحه	عنوان
	بخش اول : کلیات
۳	۱- مقدمه
۵	۲- فلسفه‌ی وجودی ، ماهیت و ساختار ماده‌ی درسی
۱۱	۳- رویکرد و جهت‌گیری‌های خاص برنامه
۱۳	۴- اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی
۱۶	۵- ارتباط برنامه با اهداف شورای عالی، فلسفه‌ی آموزش و پرورش و سند ملی و برنامه‌ی درسی ملی
۱۶	۶- ارتباط برنامه، با برنامه‌های دوره‌ی قبل یا دوره‌ی بعد
	بخش دوم : عناصر و مؤلفه‌های برنامه
۱۸	۱- اهداف برنامه
۱۸	الف) اهداف بنیادی تفکر فلسفی و فلسفه در مجموعه‌ی برنامه‌های درسی دوره‌ی آموزشی
۲۰	ب) اهداف ماده‌ی درسی در دوره‌ی و پایه‌های تحصیلی (دانشی، نگرشی، مهارتی)
۲۲	ج) اهداف مشترک ماده‌ی درسی با مواد درسی دیگر
۲۵	۲- محتوای برنامه
۲۵	الف) مفاهیم اساسی ماده‌ی درسی در دوره و پایه‌های تحصیلی
۲۶	ب) مفاهیم فرعی
۲۷	ج) شیوه‌ی سازمان‌دهی محتوا
۳۱	۳- روش‌های تدریس
۳۱	الف) اصول یاددهی- یادگیری
۳۲	ب) شیوه‌ها و فعالیت‌های مناسب یاددهی- یادگیری
۳۶	۴- ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی
۳۷	الف) نوع و الگوی ارزش‌یابی
۳۹	ب) روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی
	بخش سوم : توصیه‌های اجرایی برنامه
۴۲	۱- روش‌های ترویج و تثبیت برنامه
۴۴	۲- صلاحیت‌های حرفه‌ای مخاطبان برنامه (گروه‌های تولید، ارزش‌یابی، اجرا و معلمان)
۴۶	۳- مواد و امکانات آموزشی
۴۶	۴- ارزش‌یابی مستمر از برنامه
۴۹	۵- چند پیشنهاد برای تحقق بهتر اهداف برنامه‌ی درسی

بخش اول

کلیات

۱- مقدمه

بدون شک سرزمین ما یکی از مهم‌ترین کانون‌های تفکر عقلی و فلسفی در جهان بوده و فیلسوفان بزرگی را در دامن خود پرورانده که نام و آوازه‌ی آنان مکان‌ها و زمان‌ها را در نوردیده و به فرهنگ و تمدن بشری مدد رسانده‌اند.

اگر به این سرزمین پهناور در همان قرن‌های اولیه‌ی پس از ظهور دین مبین اسلام نظر کنیم و مدارس علمیه‌ی بی‌شمار آن در چشم‌اندازی تاریخی بازدید نماییم، بازار بحث و جدال عقلی، کلامی و فلسفی را گرم و پر رونق یافته و شاگردان مکتب اهل بیت را پیشگامان و راهبران این مباحث مشاهده خواهیم کرد. اکنون که ما میراث‌دار گنجینه‌ای گران‌بها و بی‌بدیل از آثار فکری و فلسفی هستیم، سزاوار و شایسته، بلکه واجب و ضروری است از این ذخیره‌ی و نعمت الهی بهره ببریم، راه گذشتگان را ادامه دهیم، با احیای روحیه‌ی علمی گذشته به بازسازی، توسعه و تکامل دستاوردهای نیاکان پردازیم و با حضور در صحنه‌ی مراودات و مباحث فلسفی جایگاه رفیع از دست رفته را احیا کنیم.

با چنین پیشینه‌ی تابناکی، انتظاری بی‌جا نیست که مدارس و دانشگاه‌های کشور ما مجهز و مهیای به انجام رساندن این رسالت عظیم باشند و یکی از اهداف متعالی خود را تربیت انسان‌های خردمند و با بصیرت قرار دهند و زمینه‌ها را به گونه‌ای سامان دهند که از میان دانش‌آموزان و دانشجویان خردمند و بصیر، نخبگانی شیفته‌ی فلسفه برخیزند و تفکر فلسفی پرورده در دامن فرهنگ اسلامی را به جهان امروز عرضه کنند و به حل بسیاری از معضلات فکری عصر جدید کمک کنند.

از این حیث، ضروری است که در کالبد برنامه‌های درسی روح تفکر عقلی و فلسفی دمیده شود تا نسلی عقل‌گرا و متفلسف تربیت گردند. هم‌چنین نظام آموزشی انگیزه‌ی لازم را برای دانش‌آموزان نخبه فراهم کند که به نحو تخصصی به فلسفه روی آورند و با شادابی و نشاط به تحصیل در این رشته پردازند.

هم‌اکنون ، درس‌های فلسفه و منطق فقط در رشته‌ی علوم انسانی تدریس می‌شود که در سال سوم متوسطه سه واحد درسی (۱/۵ واحد منطق و ۱/۵ واحد فلسفه) و در دوره‌ی پیش‌دانشگاهی دو واحد درسی به آن‌ها اختصاص یافته است. در طول سال‌های اخیر تحقیقاتی درباره‌ی چگونگی این درس و کیفیت کتاب‌های آن انجام شده است.

مجموعه‌ی این پژوهش‌ها و نیز نظرات و پیشنهادهایی که دبیران این درس در همایش‌ها، دوره‌های آموزشی و مکاتبات خود به گروه درسی ارائه داده بودند، زمینه‌ی تدوین راهنمای برنامه‌ی درسی درس‌های فلسفه و منطق قرار گرفت و منجر به تدوین این راهنمای برنامه شد.

۲- فلسفه‌ی وجودی

در این جا برآنیم که فرض‌های اساسی و ضرورت برنامه درسی فلسفه را توضیح دهیم:

۱- من اراد أن يتعلم الحكمة فليطلب فطره ثانيه (ملاصدرا، مقدمه‌ی المبدأ و المعاد)

«کسی که بخواهد حکمت بیاموزد باید که در طلب فطرت ثانی برآید.»

حکیم صدرالمتألهین شیرازی این عبارت نکته‌آموز را به معلم اول- ارسطو- منتسب کرده است. انسان در وضع طبیعی و زندگی عادی و متعارف خویش براساس مسلمات و مشهورات و نیز تجارب شخصی و مقبولات خود در عالم به سر می‌برد. این همان فطرت اول اوست. در این فطرت آدمی با آن‌که باورها و اعمال و گفتارش با عالم و زمان او تناسب دارد و عالم و زمان او بنیادها و مبانی معینی است که او را احاطه کرده، لیکن این بنیادها همواره نیندیشیده و مغفول عنه باقی می‌مانند و چه بسا پرسش از آن‌ها و تفکر در باب آن‌ها مخلّ زندگی عادی و معمول تلقی می‌گردد. این وضع را می‌توان به حال و روز کسی تشبیه نمود که از دریچه‌ای محدود به فضای بیرون می‌نگرد و در افق دید او ابتدا و انتهای حوادث و اشیا‌یی که در منظر ظاهر می‌شوند و در می‌گذرند برای او معلوم نیست (اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است). وی همچون دیگران اموری را مسلم می‌داند و براساس آن‌ها همه چیز را می‌فهمد. اما حکمت و فلسفه و به طور کلی تفکر اصیل هم چون پرسش‌های سقراطی وی را به پرسش از مبادی اولیه اشیا و امور فرا می‌خواند. این پرسش‌ها که می‌توان از آن‌ها به پرسش‌های بنیادین تعبیر نمود مبدأ و زمینه‌ساز تفکر فلسفی و دانش فلسفی است.

باری در ساحت تفکر، با توجه به محدودیت آدمی، پرسندگی^۱ و رد و قبول و اختلاف نظر و در عین حال تعاطی افکار و هم‌سخنی امری خلاف توقع نیست و هر کوششی که بر آن باشد تا اصول و بنیادهای معین و ثابتی را ولو با توسل به عناوین مثبت تلقی شده هم‌چون خود فلسفه و منطق و عقل و تفکر و

۱- questioning , questionality

وجه نظر انتقادی بیرون از رسیدگی و پرسندگی قرار دهد با ذات تفکر و ماهیت حکمت ناسازگار است و جز جزم‌اندیشی و توجیه وضع موجود یا تأمین غرضی خاص که جملگی به فطرت اول آدمی تعلق دارند حاصلی در پی نخواهد داشت. در تعلیم فلسفه، متعلم طبعاً فرهیخته و اهل فضل می‌شود و هم‌چنین به‌عنوان غرض ضمنی در اعمال روش‌های پژوهشی در تاریخ و موضوعات فلسفه مهارت می‌یابد. لیکن مقصد اعلی و غایت قصوی همانا فراهم آوردن زمینه‌ی آشنایی متعلم است با ساحت تفکر و نظر تا چنانچه افراد مستعدی یافت شوند قبسات حب دانایی در جانشان افتد و لاجرم به طلب برخیزند و از آن‌جا مبانی معرفتی و بالاتر از آن وجود شناختی جامعه قوت.

۲- یؤتی الحکمه من یشاء و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً (قرآن مجید / ۲/ ۲۶۹)

خدا حکمت را به هر که بخواهد عطا کند و به هر کس حکمت و دانش داده شود حقیقتاً به او خیر بسیار داده شده است. میان حکمت و دینداری جهت اشتراک اساسی وجود دارد، زیرا حکمت و فلسفه در ذات خود، تفکری اصیل و استوار است که پندار و وهم در آن راه ندارد و کسب حقیقت را وجهی همت قرار داده است. حقیقت دینداری نیز گذشت از ظاهر‌گرایی و تقلید صرف و تعلقات جاهلانه، و اصل قراردادن باطن و متکی ساختن ظاهر بر باطن و وصول به حق مطلق است. حضرت علی بن ابیطالب (ع) (نهج البلاغه، چاپ صبحی صالح، ص ۴۹۶) از کسانی که بی بصیرت از حاملان حق تبعیت می‌کنند و با نخستین شبهه‌ای که در دل آن‌ها راه یابد در می‌مانند، انتقاد کرده است. بصیرت، خود تعبیری قرآنی است. حق تعالی در آیه‌ی پنجاه سوره‌ی انعام با استفهامی انکاری بر نامساوی بودن جاهل و عالم تأکید فرموده است. (قل هل یتوی الاعمی و البصیر افلا تتفکرون). بنابراین اهل تحقیق و بصیرت شدن شرط و اصل در دین‌داری، و حکمت خود دهش حق تعالی است.

با توجه به این امر یکی از اهداف مهم این درس تقویت پایه‌های اعتقادی دینی و ایمان به آن‌هاست، به خصوص که میان معارف بنیادین دین مانند شناخت مبدأ جهان، غایت هستی و نظام حاکم بر جهان با

فلسفه اشتراک موضوعی است و تفکر فلسفی که یک تفکر عقلانی است، می‌تواند در خدمت تعمیق این معارف قرار گیرد.

۳- فلسفه و منطق در سنت اسلامی و فرهنگ ایران از مؤلفه‌های مهم و اساسی به شمار می‌رود. تجربه‌ی گرانقدر فلسفه در عالم اسلام با قطع نظر از قبول یا رد همه‌ی جزئیات و دقایق و نتایج آن دست کم به عنوان مآثر فرهنگی و مؤلفه‌ی هویتی، شایسته‌ی رسیدگی و توجه عمیق و گسترده است. به عبارت دیگر التفات به سوابق فرهنگی و گذشته‌ی علمی در شناسایی هر فرهنگ و هر قوم، ضرورتی انکارناپذیر است و سرزمین ما از دیرباز به حکمت و معرفت عنایت ویژه داشته است چندانکه افلاطون در آثار خود بارها ایرانیان باستان را به صفات نیک ستوده و ارسطو در کتاب «درباره‌ی فلسفه» که تنها قطعاتی از آن باقی است بر اهتمام ایرانیان به حکمت اشاره کرده است. هم‌چنین شیخ اشراق و حاجی سبزواری، از حکمای خسروانی و فهلویون به عظمت و نیکی یاد کرده‌اند. ایرانیان پس از اسلام نیز هم‌چنان که شهید مطهری در کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» به تفصیل بدان پرداخته، افتخار بیش‌ترین خدمات فرهنگی به دین و عالم اسلام را در میان قاطبه‌ی مسلمانان جهان به خود اختصاص داده‌اند. عالمان و فضلاء مسلمان دیگر سرزمین‌ها به ویژه شبه قاره‌ی هند و آسیای صغیر آثار حکما و علمای ایران را تعلیم می‌کردند و بر آن‌ها شرح و حاشیه‌های بسیار می‌نوشتند. در این باب همین اندازه کافی است که بگوئیم فیلسوفان بزرگ عالم اسلام جز آنان که در اندلس می‌زیستند عموماً ایرانی بوده‌اند. زبان و ادبیات فارسی نیز سرشار از معانی حکمی و معارف عقلی است. افزون بر این یافتن معادل‌های مناسب و زبان دقیق برای بیان معانی جدید فلسفی نیز بدون توجه به سوابق کلمات و اصطلاحات در سنت اسلامی ممکن نیست.

پیدا است که آموزش و پرورش کشور ما نمی‌تواند نسبت به این امر یعنی آموختن و گسترش فرهنگی

فلسفه به ویژه فلسفه‌ی اسلامی بی‌اعتنا باشد، زیرا: فلسفه و منطق از مؤلفه‌های مهم هویت ملی و مآثر فرهنگی

و اسلامی ما است.

۴- اکنون نیز که تمدن و علوم و فناوری جدید غرب جهانگیر شده و در تمام شئون زندگی فردی و حوزه‌ی عمومی ما مؤثر افتاده و مسلمانان برآند تا با کسب و اخذ این علوم و فناوری، خود به تولید علم و اختراع و نوآوری دست یازند تذکر و توجه به این نکته لازم است که وصول به این مقصود جز با نظر به بنیادهای فرهنگی و فلسفی این تمدن ممکن نیست و اساساً با این شناسایی و ورود به مرحله‌ی تولید به جای مصرف است که می‌توان بر بنیادهای آن غالب آمد. علوم جدید که آموزش آن وظیفه‌ی نهادهای آموزشی کشور است در بن و بنیاد خود قائم و وابسته به جستارهای فلسفی است و دارای مبانی فلسفی ویژه‌ی خود می‌باشند.

دانشمندان بزرگ در قرن هفدهم که دوره‌ی جوانی تاریخی و فرهنگ جدید بوده، همچون گالیله، دکارت، نیوتن و لایب نیتزر، خود فیلسوف بودند. در دوره‌ی پختگی و کمال، یعنی در قرن بیستم نیز نیلزبور^۱ و هیزنبرگ^۲ به طریق فلسفی می‌اندیشیدند، بنابراین رسوخ در مبانی فلسفی علوم جدید اعم از طبیعی و انسانی و نیز توجه به فلسفه‌ی تطبیقی و گفت‌وگوی فرهنگی به عنوان امری میان فرهنگی^۳ ضرورتی آشکار و روشن است.

۳- رویکرد برنامه

فلسفه یکی از میراث‌های گرانبهای انسانی است که با شکل‌گیری تمدن‌ها شروع شده و گسترش یافته است. این بخش از معرفت بشری از با نشاط‌ترین آن و همراه با جدی‌ترین تلاش‌ها، رقابت‌ها، گفت‌وگوها و منازعات فکری بوده و به شکل‌گیری مکاتب گوناگون فلسفی انجامیده است در مرکز و محور این گفت‌وگوها و منازعات چند مسأله‌ی بنیادی و اصیل را می‌یابیم که زمان و مکان خاص را در نوردیده و در تمام اعصار و امکان حضور داشته و توجه همه‌ی فیلسوفان بزرگ به خود معطوف کرده و نحله‌های گوناگون فلسفی بخش عمده‌ی فلسفه‌ی خود را بدان اختصاص داده‌اند. این مسأله‌های اصیل و بنیادی

۱-Niels Bohr

۲-Heisenberg

۳-intercultural

هم چون ارزش معرفت، مبدأ هستی، چستی انسان، جایگاه وی در هستی، آینده‌ی هستی، سرنوشت بشریت، ابعاد و سطوح هستی، اختیار انسانی و مبادی اخلاق و ارزش‌ها و ده‌ها مسأله‌ی دیگر همان مسأله‌هایی است که با ماهیت و غایت فلسفه گره خورده و تهی شدن فلسفه از این مسأله‌ها به معنی خاموش شدن چراغ فلسفه است. اصولاً نام فلسفه‌ها برخاسته از نسبتی خاص است که فیلسوفان با این مسأله‌ها برقرار کرده‌اند.

بنابراین تعلیم فلسفه با پرداختن به این مسأله‌ها شکل می‌گیرد و تفکر فلسفی با اندیشه و تأمل در این سؤال‌ها هویت می‌یابد. در عین حال، تعلیم فلسفه نمی‌تواند با تفکر خام و ابتدایی درباره‌ی سؤال‌ها آغاز شود. بلکه باید تلاش فلسفی متفکران بزرگ تاریخ در هر مسأله مورد مذاقه و تحلیل و بررسی قرار گیرد تا امکان صعود به مراتب بالاتر تفکر فراهم آید. آشنایی با سیر تاریخی گفت‌وگوها و تأمل‌ها در هر مسأله و شناخت اندیشه‌ی فیلسوفان بزرگ در این بستر تاریخی، دانش‌آموز را با زوایای مسأله آشنا می‌کند، فکر او را درگیر می‌نماید و فرصت مشارکت را فراهم می‌سازد؛ در عین حال، او را به تفکر و تأمل فلسفی نزدیک می‌کند و قوه‌ی تعقل را در وی شکوفا می‌سازد. بنابراین، آنچه در آموزش فلسفه مهم و اصلی است، تفکر در مسائل و موضوعات فلسفی برای کشف حقیقت، در این موضوعات و مسائل است. این خود مبتنی بر یک اصل دیگر، یعنی حقیقت‌طلبی انسان است. انسان فطرتاً حقیقت‌طلب است و برای درک حقایق دست به جست‌وجو می‌زند و تا به مطلوب خود نرسد، آرام و قرار نمی‌گیرد.

به تعبیر مولوی، یکی از تفاوت‌های اصلی انسان و کسی که وارد وادی انسانیت شده با موجودات دیگر در داشتن همین دغدغه‌ی حقیقت‌طلبی است و هرکس که این دغدغه در او قوی‌تر باشد تا آن‌جا که به صورت یک «درد» آرام و قرار را از او بگیرد، چنین شخصی انسان‌تر است.^۱

۱- مولوی: حسرت و زاری که در بیماری است
پس بدان این اصل را ای اصل جو
هر که او بیدارتر، پر درد تر

وقت بیماری همه بیداری است
هر که را درد است، او برده‌ست بو
هر که او هشیارتر، رخ زردتر

آموزش فلسفه باید بتواند این درد انسانی را در دانش آموز تقویت کند و او را به سوی یافتن درمان درد برانگیزاند و نیز پاسخی را که تاکنون فیلسوفان در اختیار انسان‌ها قرار داده‌اند، در اختیار وی قرار دهد تا او با حاصل تلاش بشریت آشنا شود و تفکر را از نقطه‌ی صفر آغاز نکند. البته روش عرضه‌ی اندیشه‌هایی دیگر نباید به گونه‌ای باشد که او را وارد در عرصه‌ی تقلید کند و قدرت نوآوری و ابتکار را از دست بدهد.

برای حصول به مقصود فوق، با توجه به محدوده‌ی زمانی، اولاً باید مهم‌ترین مباحث فکری و عقلی طرح شود و ثانیاً سیر تاریخی دیدگاه متفکرین و فلاسفه در باب هر موضوع عرضه شود. به همین جهت این برنامه، با رویکرد «موضوعی-تاریخی» تدوین یافته است. براساس این رویکرد و متناسب با زمان و وقت تدریس، مهم‌ترین موضوعاتی که مناسب با توانایی دانش‌آموزان است انتخاب گردیده و در بستری تاریخی، همراه با طرح نظرات مهم‌ترین فیلسوفان و همراه آخرین دستاوردهای فلاسفه‌ی اسلامی به بحث گذاشته می‌شود.

آموزش و یادگیری در این رویکرد، برای تقویت قدرت کشف حقیقت در دانش‌آموز است. یعنی توانایی دانش‌آموز برای یافتن پاسخ به سؤال‌های بنیادین زندگی و فراهم کردن زمینه برای صعود او از فطرت اول به فطرت ثانی تقویت شود. به همین جهت، مسأله‌ها و موضوع‌های فلسفی که متناسب با سطح درک و نیاز دانش‌آموزان باشد، محتوای اصلی آموزش را تشکیل می‌دهند. دانش‌آموزان باید در این مسائل بیندیشند و در حد توان خود با راه‌حل‌ها آشنا شوند و آن‌ها را تحلیل کنند و به حقیقت دست یابند. لازمه‌ی چنین هدفی، تقویت خردورزی و عقلانیت است، به گونه‌ای که خردورزی از یک حالت اتفافی و گاه به گاه به وصفی دائمی تبدیل شود. در این صورت، انسان از زنجیر عادات، تقلیدهای ناب‌جا، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی خارج می‌شود و به باطن اشیاء می‌رسد.

۴- اصول حاکم بر برنامه

با توجه به فلسفه‌ی وجودی این درس و رویکرد انتخاب شده برای آن، لازم است که اصول زیر در بخش‌های مختلف برنامه مورد توجه قرار گیرد.

الف- تأکید بر انگیزش درونی

هنگامی انسان آموختن موضوعی را با پشتکار دنبال می‌کند که نسبت به آن انگیزه‌ی درونی داشته باشد. به همین جهت لازم است سؤال‌هایی برای دانش‌آموزان طرح گردد که تعادل اولیه‌ی آنان را بر هم زند و آنان را در موقعیت جست‌وجوگری قرار دهد تا برای رسیدن به تعادل مجدد کوشش نمایند و به طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت کنند.

ب- تلاش برای رسیدن به فرهیختگی و تعالی

در آموزش حکمت و فلسفه، نگرش و فرهنگ و فرهیختگی از شناخت جدا نیست. برای حکیم فرزانه، حکمت امری درونی است و نه صرفاً مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش‌ها یا روش وصول به آنها؛ بنابراین، تفکر و فلسفه از آن‌جا که از سر حیرت صورت می‌گیرد و جهتی بیرون از سلوک علمی ندارد، تربیت حکمی، انسان آزاد و وارسته و به دور از سطحی‌اندیشی پدید می‌آورد که البته این خود کم نیست و هرگاه سروکار ما با معارف عقلی اسلامی باشد، صفت تأله و بصیرت الهی نیز بر این اوصاف افزوده می‌شود ضمن آن که در نسبت میان تعقل و استدلال از یک سو و اشراق و تأله از سوی دیگر رعایت مراتب و اعتدال ضروری است. با توجه به این مطالب، نباید فراموش کنیم که همان‌طور که امام خمینی (ره) در شرح حدیث جنود عقل و جهل گفته‌اند در تعلیم حکمت مراد در نهایت امر نسخه‌دادن نیست بلکه خود تعلیم، شفابخش است.

ج- توجه به نقش فعال یادگیرنده

لازمه‌ی رشد خردورزی و تقویت تعقل، توجه به یادگیری به عنوان نوعی فعالیت زنده و پویاست که در جریان آن نقش اصلی بر عهده‌ی یادگیرنده است. او با مشارکت فعال خود در جریان یادگیری

می‌کوشد دیدگاه‌ها را نقد و بررسی کند، آن‌ها را مقایسه نماید، استدلال لازم را ارائه دهد یا استدلال عرضه شده را به خوبی دریابد. لذا معلم باید فرصت تفکر و تأمل به دانش‌آموزان بدهد.

به همین جهت طرح محتوا از جانب معلم باید سؤال‌برانگیز باشد و صرفاً به توصیف دیدگاه‌ها یا تاریخ فلسفه نپردازد. معلم باید کلاس را به گونه‌ای هدایت کند که مسائل مطروحه در فلسفه، مسأله‌ی دانش‌آموزان شود و آنان خود را نیازمند به بحث و گفت‌وگو و تفکر بیابند.

د- طرح موضوعات در بستر تاریخی

استفاده از این بستر سبب باز شدن افق‌های جدید به روی دانش‌آموزان می‌شود. او می‌داند که فیلسوفان گذشته چگونه با مسئله برخورد کرده‌اند و چه قدم‌هایی برداشته‌اند. این آشنایی سبب می‌شود که بتواند دیدگاه‌ها را مقایسه و ارزیابی کند و قدم در وادی داوری گذارد.

ه- پیوند درس فلسفه با نیازها و علایق و مسایل اساسی زندگی دانش‌آموز

درس فلسفه باید با نیازها، علایق و مسائل اساسی زندگی دانش‌آموز پیوند وثیق برقرار کند. برای برقراری چنین ارتباطی باید فلسفه با عالم دانش‌آموز انس و الفت پیدا کند. برای برقراری این نسبت لازم است مسایل اساسی زندگی و سؤالات فلسفی نوجوانان به طور دقیق مورد شناسایی قرار گیرد و اهداف و محتوای درس فلسفه بر آن استوار گردد.

و- ارتباط درس فلسفه با تعقل دانش‌آموز

تعقل تلاش عقل و حرکت عقل است. اگر با تعقل دانش‌آموز رابطه برقرار شود آموزش فلسفه حرکت و بالندگی پیدا می‌کند و روش اندیشیدن و فلسفیدن در او تقویت می‌شود. درس فلسفه باید بتواند این ارتباط را برقرار کند.

ز- ارتباط درس فلسفه با مسایل متغیر فکری و فرهنگی جامعه

با گذشت زمان در اثر پیشرفت‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و غیره تغییرات عدیده‌ای در زندگی انسان‌ها به وجود می‌آید. فلسفه باید این پیام را به دانش‌آموز برساند که درست است که تغییر یک مقوله گریزناپذیر در زندگی است ولی شامل همه‌ی ابعاد و اجزاء انسان و زندگی انسانی نمی‌شود. هر آن‌چه که با «تقدیر» به جان و فطرت او گره خورده، وجهی ثابت و پایدار به وی بخشیده و به تبع آن به زندگی او

جهت گیری خاصی داده شده است. از طرف دیگر، امور مادی و تولیدات گوناگون فکر و عمل بشر در حال تغییرات قطعی و حتمی است. درس فلسفه، درس پایداری در امور ثابت حیات و برخورد اصولی با امور متغیر را به دانش آموز خواهد آموخت.

ح - توجه به ارتباط افقی و عمودی درس فلسفه با سایر دروس

هر یک از رشته های علمی مانند شاخه هایی هستند که بر روی درخت تنومند « معرفت » روئیده اند. این « تجزیه » ثمرات و آثار مبارکی برای انسان داشته است ولی خساراتی نیز به بار آورده است. ثمرات آن توسعه علم در هر یک از رشته های علمی است و خسارت آن فقر « نگاه کل بین » در آدمی است. باید به دانش آموز آموخت که در پشت این کثرات، وحدتی موجود است. درس فلسفه می تواند بصیرت « کل نگر » را در افراد به وجود آورد و آن ها را متوجه کند که مبادی تصویری و تصدیقی تمام علوم در فلسفه به اثبات می رسد.

ط - به منظور اتقان، انسجام، صحت و اعتبار فلسفی محتواهای آموزشی، در تدوین و تبیین مسائل و موضوعات فلسفی، ضمن بهره مندی از نظرات و دیدگاه های اندیشمندان اسلامی و غربی، آراء فلسفی امام خمینی، علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری به عنوان دیدگاه معیار مورد استفاده خواهد بود.

۵- ارتباط برنامه با اهداف شورای عالی آموزش و پرورش

اهداف راهنمای برنامه‌ی درسی فلسفه	اهداف شورای عالی
<p>اهداف پیش‌دانشگاهی شماره‌های ۱، ۲ (شناختی)</p> <p>اهداف پیش‌دانشگاهی شماره‌های ۱، ۲ (شناختی)</p> <p>اهداف پایه‌ی سوم شماره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ (شناختی)</p>	<p>اعتقادی:</p> <p>۱- به اصول اعتقادی و مبانی دینی و احکام اسلامی پای‌بند است</p> <p>۲- با سیر تکامل ادیان آشنا است و از اصول اعتقادی خود با استدلال دفاع می‌کند.</p> <p>۳- با زندگی اولیاء دین، بزرگان و شخصیت‌های اسلامی آشناست و از تجارب آن‌ها در زندگی خود بهره می‌جوید.</p>
<p>اهداف پیش‌دانشگاهی شماره‌ی ۳ (شناختی)</p> <p>اهداف پایه‌ی سوم شماره‌ی ۱۲ (شناختی)</p>	<p>اخلاقی:</p> <p>۱- ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را تشخیص می‌دهد و به پاسداری از ارزش‌ها پای‌بند است.</p> <p>۲- رفتار و اعمال خود را بر پایه‌ی عقل و فکر ارزش‌یابی و انتخاب می‌کند.</p>
<p>اهداف پایه‌ی سوم شماره‌های ۶ و ۷ (شناختی)</p> <p>اهداف پیش‌دانشگاهی شماره‌ی ۱ (شناختی)</p> <p>اهداف پایه‌ی سوم شماره‌های ۴ و ۶ (مهارتی)</p> <p>اهداف پایه‌ی سوم شماره‌ی ۶ (نگرشی)</p> <p>اهداف دوره‌ی پیش‌دانشگاهی شماره‌های ۳ و ۴ (مهارتی)</p> <p>اهداف پایه‌ی سوم شماره‌های ۵ و ۶ و ۷ (مهارتی)</p>	<p>علمی و آموزشی:</p> <p>۱- در حوزه‌های علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی اطلاعات کافی دارد و می‌تواند در زندگی از آن‌ها استفاده کند.</p> <p>۲- ارزش اطلاعات همه‌جانبه و صحیح را می‌داند و در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، مهارت دارد.</p> <p>۳- به تفکر و مباحثه علاقه‌مند است و با روش تحقیق آشنایی عملی دارد.</p>
<p>اهداف پایه‌ی سوم شماره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ (شناختی)</p> <p>اهداف پایه‌ی سوم شماره‌های ۴، ۶ (نگرشی)</p> <p>اهداف دوره‌ی پیش‌دانشگاهی ۱، ۲، ۳ و ۴ (شناختی)</p> <p>اهداف دوره‌ی پیش‌دانشگاهی شماره‌ی ۴ (شناختی)</p> <p>اهداف دوره‌ی پیش‌دانشگاهی شماره‌ی ۵ (نگرشی و مهارتی)</p>	<p>فرهنگی و هنری:</p> <p>۱- به شناخت خصوصیات برجسته‌ی هنری و فرهنگی ملل علاقه‌مند است و در نقد آن‌ها از تجارب و دستاوردهای فرهنگی کشور خود و دیگر کشورها استفاده می‌کند.</p> <p>۲- به مطالعه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و جهان علاقه‌مند است.</p> <p>۳- آثار فرهنگی و هنری را ارزیابی و فرهنگ و هنر اصیل را تشخیص می‌دهد.</p>

۶- ارتباط برنامه با برنامه‌های دوره‌های قبل و بعد

با توجه به این که درس فلسفه فقط در سال سوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی عرضه می‌شود، دارای پیشینه‌ای در دوره‌های قبل نیست.

البته این درس، با درس‌های دیگر این دوره و دوره‌های قبل ارتباط دارد که در جدول خاص خود مشخص خواهد گردید.



عناصر و مؤلفه‌های برنامه

۱- اهداف برنامه

الف-اهداف بنیادی تفکر فلسفی و فلسفه در مجموعه‌ی برنامه‌های درسی دوره‌های آموزشی

تفکر فلسفی که عمیق‌ترین لایه‌ی تفکر عقلانی است، از یک طرف یکی از اهداف غایی تربیت در آموزش و پرورش است که باید مجموعه‌ی برنامه‌های درسی سهم خود را در رسیدن به این هدف ایفا نمایند. از طرف دیگر آن، توان‌مندی ارزشمندی است که عامل شکوفایی استعدادها در درس‌های گوناگون و زمینه‌ساز پویایی، نوآوری و نگاه عمیق به پدیده‌هاست.

از این رو تفکر فلسفی و حکمی نباید به عنوان موضوعی نگریسته شود که صرفاً یک درس عهده‌دار آن است و سایر درس‌ها فقط در یک ارتباط معمولی و متعارف که میان دروس گوناگون برقرار است، با این موضوع مرتبط‌اند. این موضوع در لایه‌ی درونی همه‌ی درس‌ها باید حضور داشته باشد، به آن‌ها جهت بدهد و از آن‌ها کمک بگیرد.

از این منظر اهدافی برای تفکر فلسفی تدوین یافته که مجموعه‌ی برنامه‌های درسی باید بدان توجه کنند و برای رسیدن به آن‌ها بکوشند.

این اهداف عبارتند از:

- ۱- تقویت و رشد عقلانیت و خردگرایی
- ۲- تعمیق معنای زندگی و درک زندگی معقول و متعالی و اهداف متعالی آن
- ۳- آشنایی با مبادی و مبانی علوم و جایگاه آن‌ها در منظومه‌ی معرفت و اهداف ناظر بر علوم
- ۴- کمک به درک صحیح ابعاد معرفتی انسان و جایگاه هر شاخه‌ی معرفتی
- ۵- درک صحیح رابطه‌ی عقل و دین و علم و دین، تقویت خردورزی در دین و مسائل دینی و نفی ظاهرگرایی و سطحی‌نگری در دین
- ۶- شناخت مبادی اخلاق و هنر (زیبایی‌شناختی)
- ۷- توانایی نقد و بررسی تمدن جدید و مبادی فکری و فرهنگی آن و توانایی قدرت انتخاب خردمندانه در مواجهه‌ی با افکار متنوع و جریانات فرهنگی و اخلاقی مختلف

۸- توانایی نقد و بررسی اندیشه‌ها، افکار، روش‌های فکری متنوع و ارزیابی آنها.

۹- توانایی نقد و بررسی سنت‌ها، آداب و روش‌های زندگی خود و جامعه‌ی خود و توانایی کشف

ضعف‌ها و کنار گذاشتن آنها و کشف قوت‌ها و تقویت آنها و کشف راه‌های جدید تکامل و

ارتقاء سنت‌ها و آداب اجتماعی

۱۰- تعمیق تفکر دینی و تقویت ایمان به دین و درک عمیق‌تر پیام‌های قرآن کریم و راهنمایی‌های

معصومین (ع)

ب- اهداف ماده‌ی درسی در دوره و پایه‌های تحصیلی

اول : اهداف دانشی

اهداف کلی	اهداف پایه‌ی سوم	اهداف پیش‌دانشگاهی
۱- آشنایی با چستی و چرایی فلسفه	۱- آشنایی با واژه‌ی فلسفه ۲- آشنایی با علت نیاز به فلسفه ۳- شناخت پرسشهای اساسی در فلسفه ۴- آشنایی با هدف فلسفه ۵- آشنایی با موضوع فلسفه ۶- آشنایی با شاخه‌های فلسفه ۷- آشنایی با رابطه‌ی فلسفه با علوم ۸- آشنایی اجمالی با سیر فلسفه در دوره‌ی یونان ۹- آشنایی اجمالی با سیر فلسفه در دوره‌ی اسلامی ۱۰- آشنایی با نقش تفکر فلسفی در معارف اسلامی ۱۱- آشنایی با نقش تفکر فلسفی در معارف جدید ۱۲- شناخت شخصیت‌های فلسفی دوره‌ی معاصر ایران ۱۳- آشنایی اجمالی با دیدگاه فلاسفه در معرفت‌شناسی : - واقع‌گرایی (رنالیسم)، ایده‌آلیسم و سفسطه - روش‌های تفکر و استدلال: قیاس، تجربه و استقرا و حدود آن‌ها	۱- آشنایی با مبانی فلسفی عقلانیت و خردورزی - نیاز به تعقل، سیر تاریخی عقلانیت در سه دوره‌ی یونان، اسلامی و دوره‌ی معاصر، کمک عقلانیت به انسان در شناخت معارف دینی ۲- آشنایی بانظام جهانی از دیدگاه فلسفه و مراتب و نسبت آن‌ها با هم - سیر تاریخی دیدگاه‌ها - رابطه‌ی علیت در نظام جهانی - مراتب جهان نزد فیلسوفان الهی - ماتریالیسم و انحصار جهان به ماده ۳- آشنایی با مبانی فلسفی اخلاق و خیر - دیدگاه‌های مهم تاریخی در مبانی اخلاق - اخلاق مطلق و اخلاق نسبی - اصالت فایده و اخلاق ۴- آشنایی با مبانی فلسفی هنر و زیبایی‌شناختی و دیدگاه فلسفه
۲- آشنایی اجمالی با دوره‌های فلسفی و برخی از فیلسوفان بزرگ		
۳- آشنایی با برخی از مهم‌ترین مسائل فلسفی و سیر تکوینی و تاریخی این مسائل و پاسخ‌های فیلسوفان، بخصوص فیلسوفان اسلامی به آنان		

دوم : اهداف نگرشی

اهداف کلی	اهداف پایه‌ی سوم	اهداف پیش‌دانشگاهی
<p>۱- تقویت علاقه‌مندی به تفکر فلسفی</p> <p>۲- توجه به دوره‌های فلسفی و مقام و منزلت فلسفه در ادوار مختلف</p> <p>۳- علاقه‌مندی به درک برخی از مهم‌ترین مسایل فلسفی و پاسخ‌های فیلسوفان به آن‌ها</p>	<p>۱- توجه به علت نیاز به فلسفه</p> <p>۲- توجه به پرسش‌های اساسی در فلسفه</p> <p>۳- توجه به نسبت میان فلسفه و علوم</p> <p>۴- علاقه‌مندی به درک تفاوت‌های فرهنگی و فکری در دوره‌ی یونان و اسلامی</p> <p>۵- تقویت علاقه‌مندی به درک شخصیت‌های فلسفی دوره‌ی معاصر ایران</p> <p>۶- توجه به درک برخی مکاتب از جمله ایدئالیسم و رئالیسم</p>	<p>۱- توجه به سیر آدمی از فطرت اول به فطرت ثانی در تفکر حکمی</p> <p>۲- توجه و علاقه‌مندی به معارف عقلی اسلام</p> <p>۳- توجه به پیدایی و استمرار فلسفه و سیر تاریخی دیدگاه‌ها</p> <p>۴- علاقه‌مندی به درک مراتب جهان نزد فیلسوفان الهی</p> <p>۵- توجه به مبانی فلسفی اخلاقی</p>

سوم : اهداف مهارتی

اهداف کلی	اهداف پایه‌ی سوم	اهداف پیش‌دانشگاهی
<p>۱- کسب توانایی طرح چستی و چرایی فلسفه</p> <p>۲- توانایی مقایسه دوره‌های فلسفی و برخی از فیلسوفان بزرگ</p> <p>۳- توانایی تحلیل پاسخ‌های فیلسوفان به برخی از مهم‌ترین مسایل فلسفی</p>	<p>۱- توانایی درک معنای لغوی فلسفه</p> <p>۲- کسب توانایی طرح پرسش‌های اساسی در فلسفه</p> <p>۳- توانایی تشخیص تفاوت فلسفه با علوم و رابطه‌ی آن‌ها با یک‌دیگر</p> <p>۴- توانایی تحلیل برخی آرای فیلسوفان در یونان</p> <p>۵- توانایی درک سیر فلسفه در دوره‌ی اسلامی</p> <p>۶- توانایی مقایسه معرفت‌شناسی در دو مکتب رئالیسم و ایده‌آلیسم</p> <p>۷- تشخیص استدلال سفسطی با استدلال برهانی</p>	<p>۱- توانایی تحلیل سیر تاریخی عقلانیت در سه دوره‌ی یونان، اسلامی و معاصر</p> <p>۲- درک و تحلیل نظام جهانی از دیدگاه فیلسوفان الهی</p> <p>۳- توانایی تشخیص اخلاق مطلق و اخلاق نسبی</p> <p>۴- توانایی تحلیل اصالت فایده و نسبت آن با اخلاق</p> <p>۵- توانایی مقایسه مبانی فلسفی هنر و زیبایی‌شناسی در آراء فلاسفه یونان</p>

ج- اهداف مشترک مادهی درسی با مواد درسی دیگر

اول: اهداف فرعی درس فلسفه (کارکرد ثانویه)

نسبت با راهنمای برنامهی درسی فلسفه در دورهی متوسطه و پیش‌دانشگاهی	اهداف	درس یا حوزهی درسی	ردیف
۹ و ۱۰ پایه‌ی سوم (شناختی) ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی (شناختی) ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی (مهارتی) ۲ و ۳ و ۴ پیش‌دانشگاهی (نگرشی)	آشنایی با سنت و سیره‌ی معصومین (ع) در مصادیق معین شده‌ی برنامه‌ی زندگی و علاقه به پیروی از آنان	دینی و قرآن	۱
۱ و ۲ پایه‌ی سوم (نگرشی) ۲ و ۳ و ۴ پیش‌دانشگاهی (نگرشی) ۲ و ۳ پایه‌ی سوم (شناختی) ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی (شناختی)	آشنایی با برخی مشخصات اساسی دین الهی مانند انسجام منطقی و عقلانی دین و توجه به آن‌ها در برنامه‌ریزی دینی		
۱ پیش‌دانشگاهی (نگرشی) ۱ پیش‌دانشگاهی (مهارتی) ۱ پیش‌دانشگاهی (شناختی) ۹ و ۱۰ پایه‌ی سوم (شناختی)	آشنایی با برخی شیوه‌های تفکر و تدبر در قرآن کریم و توانایی بهره‌مندی از شیوه‌های آموخته شده		
۲ پیش‌دانشگاهی (نگرشی)	آشنایی با جایگاه قرآن کریم به عنوان منبع اصلی معارف اسلامی و ماهیت تفکر و تدبر در آیات کریمه		
۴ پایه سوم پیش‌دانشگاهی (نگرشی) ۱۲ پایه سوم (شناختی)	شناخت خود به عنوان مخلوقی صاحب کرامت و توجه به حفظ کرامت الهی خود		
عموم اهداف درس فلسفه پایه سوم و پیش‌دانشگاهی	افزایش توانایی درک معنای آیات قرآن کریم		
۲ پیش‌دانشگاهی (نگرشی) ۲ و ۳ و ۴ پیش‌دانشگاهی (شناختی)	آشنایی با آثار بزرگان دینی و تلاش برای اُسوه قراردادن آنان		

اهداف فرعی درس فلسفه (کارکرد ثانویه)

نسبت با راهنمای برنامه‌ی درسی فلسفه در دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی	اهداف	درس یا حوزه‌ی درسی	ردیف
۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ پایه‌ی سوم (شناختی)	آشنایی با جریان‌های اجتماعی و سیاسی ادوار تاریخی و تأثیر آن‌ها در آثار ادبی	ادبیات و علوم انسانی	۲
۱۳ پایه‌ی سوم (شناختی) و ۲ و ۳ پیش‌دانشگاهی (شناختی)	دیدگاه صحیح نسبت به نظام اجتماعی جامعه‌ی خود		
۲ کلی (نگرشی)	ارج نهادن به ارزش‌های اجتماعی جامعه‌ی خود و تلاش برای مراعات آن‌ها		
۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ پایه‌ی سوم (شناختی) و ۲ پیش‌دانشگاهی (شناختی)	آشنایی با آثار بزرگان ادبی و علمی گذشته و معاصر ایران و جهان		
۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی (شناختی) و ۹ و ۱۱ و ۱۲ پایه سوم (شناختی)	آشنایی با تاریخ ادبیات ایران و جهان		
۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ پایه‌ی سوم (شناختی) و ۱ پیش‌دانشگاهی (شناختی)	آشنایی با جریان‌های اجتماعی و سیاسی ادوار تاریخی و تأثیر آن‌ها در آثار ادبی		
۱ و ۲ و ۳ و ۴ پیش‌دانشگاهی (شناختی) و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ پایه‌ی سوم (شناختی)	پرورش بیشش الهی و علاقه‌مندی به فرهنگ ایرانی-اسلامی		
۱ و ۲ و ۳ و ۴ پیش‌دانشگاهی (شناختی) و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ پایه‌ی سوم (شناختی)	آشنایی با آثار بزرگان علمی گذشته و معاصر ایران و جهان	زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، فیزیک، شیمی، علوم طبیعت	۳
۱۳ و ۶ و ۷ پایه‌ی سوم (شناختی)	آشنایی با روند پیشرفت علوم و تأثیر آن بر زندگی بشر		
۱۳ پایه‌ی سوم (شناختی)	آشنایی با روش علمی و روش حل مسئله و برخی مهارت‌های روش علمی و شیوه‌ی کاربرد آن‌ها		
۱۳ پایه‌ی سوم (شناختی)	تقویت دید انتقادی در مورد نظریه‌های فیزیکی و غیره		
۴ پیش‌دانشگاهی (شناختی)	تقویت حس زیبایی‌شناسی	هنر	۴
۱ پیش‌دانشگاهی (شناختی)	آشنایی با طبیعت به عنوان منبع الهام آفرینش‌های هنری		

دوم: اهداف این درس در درس‌های دیگر (انتظارات)

انتظارات	درس‌ها یا حوزه‌های درسی	ردیف
۱- شناخت پرسشهای اساسی ۲- آشنایی با رابطه فلسفه و دین ۳- کمک عقلانیت به انسان در شناخت معارف دینی ۴- شناخت شخصیت‌های فلسفی دوره‌ی معاصر ۵- آشنایی با روش تفکر و استدلال (قیاس، تجربه و استقرا و حدود آنها) ۶- آشنایی با رابطه‌ی علیت در نظام جهانی ۷- آشنایی با مراتب جهان نزد فیلسوفان الهی	دینی و قرآن	۱
۱- آشنایی با متون فلسفی و برخی از آثار فیلسوفان بزرگ ۲- آشنایی با سیر تکوینی و تاریخی برخی مسایل فلسفی و پاسخ‌های فیلسوفان اسلامی به آنها ۳- آشنایی با رابطه‌ی فلسفه با ادبیات و علوم انسانی ۴- شناخت شخصیت‌های فلسفی دوره‌ی معاصر ایران ۵- آشنایی با روش‌های تفکر و استدلال (قیاس، تجربه و استقرا و حدود آنها) ۶- آشنایی اجمالی با دیدگاه فلاسفه در معرفت‌شناسی	ادبیات و علوم انسانی	۲
۱- آشنایی با شاخه‌های فلسفه (فلسفه‌ی فیزیک و ... به طور مختصر) ۲- آشنایی با رابطه‌ی فلسفه با علوم طبیعت (به ویژه توجه به مبادی تصویری و تصدیقی آنها) ۳- آشنایی با روش‌های تفکر و استدلال (قیاس، تجربه و استقرا و حدود آنها) ۴- درک رابطه علیت در نظام جهانی ۵- توجه به مراتب جهان با توجه به دلایل فلسفی و معارف دینی ۶- تقویت دید انتقادی در مورد نظریه‌های فیزیکی و ...	علوم طبیعت (فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی)	۳
۱- آشنایی با رابطه‌ی فلسفه با ریاضی ۲- آشنایی با مبانی فلسفی عقلانیت ۳- تشخیص تفکر ریاضی با تفکر فلسفی و تفکر دینی	ریاضی	۴
۱- آشنایی با مبانی فلسفی هنر و زیبایی‌شناسی ۲- تشخیص تفکر هنری از تفکر دینی و فلسفی	هنر	۵

۲- محتوای برنامه

الف - جدول مفاهیم اساسی

ردیف	مفاهیم اساسی	توضیح
۱	چیستی فلسفه	در زیر این عنوان، موضوعاتی مانند تعریف و حقیقت فلسفه، چرایی نیاز به آن و رابطه‌ی آن با علوم دیگر بحث می‌شود.
۲	ادوار تاریخ فلسفه	سیر تاریخی فلسفه، بخصوص دوره‌های سه‌گانه‌ی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.
۳	عقلانیت	جایگاه عقلانیت و ارزش آن در معرفت فلسفی، کمک عقلانیت به معرفت دینی و مانند آن مورد بحث قرار می‌گیرد.
۴	معرفت‌شناسی	در زیر این مفهوم چگونگی معرفت و ارزش شناخت و دیدگاه‌های مختلف تبیین می‌گردد.
۵	جهان‌شناسی فلسفی	در این عنوان، نگاه فلسفی به جهان و تفاوت آن با نگاه جزئی‌نگر علوم و مراتب هستی از منظر فلسفه ارزیابی می‌شود.
۶	فلسفه‌های مضاف: فلسفه‌ی اخلاق	در این عنوان، مبانی اخلاق تبیین می‌گردد.
۷	فلسفه‌های مضاف: فلسفه‌ی هنر	در این عنوان، مبانی هنر و زیبایی‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد.

ب- جدول مفاهیم فرعی

ردیف	مفاهیم فرعی	مفاهیم فرعی سال سوم متوسطه
۱	چیستی فلسفه	تعریف لغوی و اصطلاحی فلسفه- علت نیاز به فلسفه- غایت و هدف فلسفه- موضوع فلسفه- پرسش‌های اساسی در فلسفه- شاخه‌های فلسفه- رابطه‌ی فلسفه و علوم
۲	ادوار تاریخ فلسفه	فلسفه در یونان باستان- فلسفه در دوره‌ی اسلامی- فلسفه در دوره‌ی معاصر و ویژگی‌های کلی هر یک از دوره‌ها- فلسفه و شخصیت‌های فلسفی در دوره‌ی معاصر ایران
۳	معرفت‌شناسی	رتالیسم (واقع‌گرایی) در یونان باستان و در دوره‌ی اسلامی- ایده‌آلیسم و سفسطه در یونان باستان و دوره‌ی جدید- شکاکان- نسبی‌گرایی در معرفت- چیستی حقیقت- ملاک و معیار حقیقت. توجه روش‌های تفکر: قیاس، تجربه و استقراء، حوزه‌ی کاربرد هر یک، ابزارهای شناخت و مراتب آن
مفاهیم فرعی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی		
۴	عقلانیت	جایگاه تعقل در مراتب معرفت- عقلانیت در نگاه فلاسفه‌ی اسلامی، عقلانیت در نگاه فلاسفه‌ی دوره‌ی جدید، جایگاه و ارزش تعقل در منابع دینی، نقش تفکر فلسفی و تعقل در تبیین معارف اسلامی، رابطه‌ی عقل و دین
۵	جهان‌شناسی فلسفی	جهان تک‌ساحتی یا چندساحتی؟ تأثیر هر یک از این دو دیدگاه در فلسفه‌ی زندگی، نظر فلاسفه‌ی یونان، اسلامی و دوره‌ی جدید به این مسأله، مراتب جهان نزد فیلسوفان الهی، رابطه‌ی علیت در نظام جهانی، غایت‌مندی و نظم حکیمانه در نظام جهانی، ماتریالیسم دوره‌ی جدید، نیهیلیسم معاصر و نگاه وی به جهان
۶	فلسفه‌ی اخلاق	معیار فعل اخلاقی از نظر فلاسفه، مطلق یا نسبی بودن اخلاق، اصالت فایده و اخلاق، رابطه‌ی دین و اخلاق، خودشناسی و اخلاق، فطرت و اخلاق
۷	فلسفه‌ی هنر و زیبایی‌شناسی	حقیقت زیبایی و معیار آن، زیبایی معنوی و زیبایی مادی، رابطه‌ی هنر و زیبایی، دیدگاه فلاسفه‌ی یونان، اسلامی و دوره‌ی جدید درباره‌ی هنر، رابطه‌ی هنر و زیبایی، تجلیات هنر در دوره‌ی اسلامی، تجلیات هنر در دوره‌ی معاصر

ج- شیوهی سازمان‌دهی محتوا

اول: اصول انتخاب محتوا

محتوای برنامه‌ی درسی فلسفه همچون دیگر برنامه‌ها باید انتخاب شود. در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی اصولی برای انتخاب تعیین شده است که با توجه به آن‌ها می‌توان در خصوص درس فلسفه نکات ذیل را طرح نمود:

۱- اعتبار محتوا:

محتوای برنامه‌ی درسی باید معتبر و قابل دفاع باشد. معمولاً اعتبار را با نو بودن مطالب و جدید بودن محتوا همراه تلقی می‌کنند. بی‌تردید در برخی مباحث فلسفی توجه به آخرین یافته‌ها در تتبع‌های صورت گرفته و حتی تعبیر و تفسیرهای جدید از فلسفه و فیلسوفان لازم است اما باید دانست نسبت تاریخ فلسفه به فلسفه از قبیل نسبت تاریخ علم به علم نیست که با سرمشق‌ها و نظریات جدید سرمشق‌ها و نظریات قبلی به کلی منسوخ گردد. فلسفه موزه‌ی تاریخ ندارد همگی مطالب در تاریخ فلسفه به اعتباری معاصرند و حتی به آینده تعلق دارند.

۲- قابلیت یادگیری

محتوای برنامه‌ی درسی فلسفه باید طوری انتخاب شود که دانش‌آموزان قادر به فهم و درک آن باشند. بدیهی است که نمی‌توان ظرفیت فکری و روانی نوجوانان را با فیلسوف یکی دانست و مثلاً مطالب فیلسوف را به همان صورت که وی برای اهل فلسفه تقریر کرده است به کتاب درسی منتقل نمود، بلکه ضمن وفاداری به اصل حتی‌الامکان باید در ساده کردن مطالب و قابل فهم و یادگیری کردن آن‌ها کوشید در این حال دانش‌آموز به تدریج با زبان خاص فلسفه و اصطلاحات فلسفی آشنا می‌شود و از این که عالم جدیدی به روی او گشوده شده و بسیاری از پرسش‌های ساده که انسان‌ها در زندگی عادی خود بدان‌ها بی‌اعتنایی می‌کند مورد بحث و رسیدگی قرار می‌گیرد، علاقه‌مند و خشنود و خرسند می‌شود.

۳- اهمیت

کدام محتوای برنامه‌ی درسی فلسفه از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؟ برای پاسخ به این پرسش باید به فرض‌های اساسی در مقدمه‌ی راهنما توجه و فهرست مطالب، سرفصل‌ها و نیز کمیت آن‌ها را براین اساس تنظیم نمود.

۴- سودمندی

چنان‌که در مقدمه به اجمال و به اشارت بیان شد فلسفه و اصولاً تفکر اصیل بی‌غرض و غیرمقید به سودمندی است و اساساً فلسفه تعیین‌کننده‌ی سودمندی است و نه بالعکس. مع‌ذالک چنین نیست که فلسفه به کلی بی‌فایده و فاقد نتایج عملی سودمند باشد چنان‌که دانش‌آموخته‌ی فلسفه به مراتب در مورد بسیاری از مسایل مطرح در جامعه و سیاست و حتی زندگی فردی قابلیت فهم و درک بهتری دارد. براین اساس آموزش فلسفه لازم است و یکی از فواید فلسفه می‌تواند آن باشد که ما را از سطحی‌نگری و ظاهربینی برهاند و تعمق و تأمل در امور به نوبه‌ی خود ما را از بسیاری گرفتاری‌ها مصون و ایمن سازد. نگاه ما را به زندگی عوض کند، نحوه‌ی مواجهه‌ی ما با مسأله‌های روز را تغییر دهد و عمق بخشد. از این جهت لازم است محتوای آموزش به گونه‌ای تنظیم شود که آموزه‌های فلسفی با مسأله‌های فکری و اجتماعی روز مرتبط شود و دانش‌آموزان را به تعمق در مسائل بکشانند.

دوم: اصول سازمان‌دهی محتوا:

در برنامه‌ی درسی عناصر مختلفی که به نوعی در شکل‌گیری برنامه دخالت دارند، مجموعه‌ی منسجمی را تشکیل می‌دهند. سازمان برنامه‌ی درسی به شیوه‌ای اطلاق می‌شود که در آن عناصر تشکیل‌دهنده‌ی برنامه‌ی درسی با نظام آموزشی ارتباط پیدا می‌کند و توالی می‌یابد. نوع سازمان برنامه‌ی درسی عامل مهمی در تعیین چگونگی یادگیری است. در بعضی موارد، عدم کارآیی و غیر مؤثر بودن برنامه‌ی درسی به دلیل نامناسب بودن محتوای آن نیست، بلکه به دلیل چگونگی تنظیم و سازمان دادن آن

است که یادگیری را مشکل می‌کند یا نتیجه‌ای کم‌تر از انتظار به بار می‌آورد. بنابراین، برای تهیه‌ی برنامه‌ی درسی مؤثر و اثربخش، فعالیت‌های آموزشی و تجارب یادگیری باید به صورتی تنظیم شوند که هم‌دیگر را تقویت کنند و دارای اثر متحد و یکپارچه باشند تا بتوانند الگوهای رفتاری مورد نظر را در فراگیران به وجود آورند. به این ترتیب، سازمان دادن محتوای برنامه و تنظیم فعالیت‌ها و تجارب یادگیری، مسئله‌ی بسیار مهمی در تهیه و تنظیم و بهبود برنامه‌های درسی است، زیرا که بر کارآیی آموزش و میزان و نوع تغییراتی که در رفتار یادگیرنده باید به وجود آید، اثر زیادی دارد.

در بحث علمی سازمان‌دهی محتوا از طرف صاحب‌نظران چهار اصل مطرح شده است:

۱- برقرار کردن توالی

۲- مداومت و استمرار

۳- وحدت و یکپارچگی

۴- تعادل

با توجه به چهار اصل فوق در سازمان‌دهی محتوای فلسفه ضروری است که به نکات ذیل توجه شود.

۱- برقراری ارتباط میان جهات گوناگون رشد (دانشی، مهارتی، نگرشی)

۲- توجه به شکل‌گیری وحدت نظر و اندیشه در دانش آموز.

۳- استفاده از شیوه‌ی از کل به جزء در تدوین محتوای فلسفه، برای مثال در مباحث کلی وجود ابتدا

بدهت مفهوم وجود و اشتراک معنوی وجود و سپس احکام وجود را می‌توان مطرح کرد.

۴- استفاده از شیوه‌ی چالش‌زا و طرح نظرگاه‌های مخالف و مواجهه ساختن دانش آموز با چالش فکری.

۵- استفاده از شیوه‌ی تحلیلی و تنظیم محتوا از نقادی به فهم درست مفاهیم.

۶- استفاده از شیوه‌ی از جزء به کل و تنظیم محتوا از امور انضمامی و محسوس به امور انتزاعی و معقول (بنا

به تشخیص مؤلف)

۷- پیش‌بینی فعالیت‌های مختلف یادگیری و فراهم کردن امکان ارزیابی مداوم به وسیله‌ی فرد و تکمیل

دانش خود با اطلاعات وسیع‌تر.

۸- تداوم توجه به ماهیت و حقیقت امور در همه‌ی مراحل آموزش و فراهم آوردن زمینه‌ی یادگیری مستمر

و مداوم

۹- تداوم تجزیه و تحلیل امور و شناخت عمیق آن‌ها.

۱۰- تعادل بین فعالیت یادگیری و ارزیابی مستقیم اطلاعات

۱۱- تعادل بین ترتیب منطقی (رعایت نظم منطقی میان مفاهیم و مطالب) و ترتیب تعلیمی (ارایه‌ی مفاهیم و

مطالب از ساده به پیچیده)

۳- روش‌های تدریس

الف- اصول یاددهی - یادگیری

بنابر ماهیت فلسفه که به تبیین مفاهیم بنیادی می‌پردازد و عمیق‌ترین مسأله‌های مطرح برای انسان را بررسی می‌کند، در آموزش این درس، لازم است به اصول زیر توجه شود:

۱- توجه زبان گفتگویی:

زبان آموزشی فلسفه باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را از حالت شنوندگی صرف و تماشاگری محض در آورد و به موقعیت بازیگری و ایفای نقش در آموزش فلسفه بکشاند، یکی از شیوه‌های مؤثر در این راستا استفاده از زبان گفتگویی است، زبان گفتگو در آموزش فلسفه علاوه بر ایجاد طراوت و جذابیت، سبب می‌شود، دانش‌آموز با طرفداری از آراء یکی و یا مخالفت با دیدگاه دیگری عملاً در بحث شرکت می‌کند.

۲- انتخاب شیوهی تفهیمی:

در شیوهی تفهیمی یا درائی (comprehensive) مقصود آن است که یادگیرنده حتی المقدور با نحوهی طرح پرسش حکمی و اصول و مبادی و طریق سلوک نحله مورد بحث آشنا شود و با متفکر همسخنی و دل‌نمودگی (sympathy) پیدا کند بی‌آنکه معنای آن لزوماً قبول تکسخنی باشد. در این طریق البته روشنی و وضوح مسائل طرح شده و توجه به تعارف و مبادی و اجتناب از سوءفهم و سوء تفسیر شرط اساسی است و در آن می‌توان به اقتضای بحث از تحلیل یعنی سیر از مرکب به بسیط و تألیف یعنی سیر از بسیط به مرکب بهره جست به ویژه تأکید بر دورهرمنوتیک یعنی سیر از اجمال به تفصیل و از تفصیل به اجمال در این شیوه خود موضوعیت دارد. از باب مثال می‌توان بشرانگاری (humanism) را به اجمال تعریف نمود و آن را در بیان تفضیلی هر یک از فلاسفه‌ی دوره جدید نشان داد.

۳- تأکید بر شیوه‌های چالش‌زا:

روش جدالی (دیالکتیک) و چالش نظام مند در آموزش فلسفه از حیث افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان و تشدید قدرت اندیشیدن بسیار مؤثر است. ساده‌ترین شیوه در چالش‌زا کردن برنامه‌ی آموزشی طرح آرای مختلف و نقد و داوری نظرگاه‌های متخالف است. سن دانش‌آموزان بیش و کم سن استقبال از چالش‌ها و لذت بردن از نزاع فکری است. البته افراط در این امر می‌تواند موجب سرگشتگی شود. این شیوه مجال بررسی تطبیقی را نیز فراهم می‌آورد که خود از سبک‌های موفق در یادگیری است.

۴- تأکید بر فعالیت‌های گروهی و یادگیری مشارکتی: اساس یادگیری مشارکتی بر سازمان‌دهی گروه‌های کوچک به منظور کمک به یکدیگر در یادگیری مطالب درسی، تبادل تجربیات و تسهیل فرایند یادگیری و کشف پدیده‌ها دشوار است. در آموزش و یادگیری فرایندی با سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی و تأکید بر یادگیری مشارکتی فرصت‌هایی فراهم می‌شود تا دانش‌آموزان در تجربیات یکدیگر سهیم شوند و از یکدیگر بیاموزند. در این شیوه افراد فرصت می‌یابند تا در تعاملات بین فردی شرکت کنند و از این طریق به خود ارزیابی پرداخته بر نقاط قوت و ضعف خویش آگاهی یابند.

بسیاری از مهارت‌های اجتماعی و زندگی شهروندی مانند: همکاری و تعاون، مسئولیت‌پذیری، قائل شدن حق برای دیگران، مشارکت در تصمیم‌گیری، رعایت قوانین و ... از طریق فعالیت‌های تیمی و یادگیری مشارکتی در دانش‌آموزان رشد و توسعه می‌یابند.

ب- شیوه‌ها و فعالیت‌های مناسب یاددهی - یادگیری

ماهیت محتوای درس فلسفه‌ی سال سوم و پیش‌دانشگاهی و نحوه‌ی سازمان‌دهی آن مستلزم به کارگیری روش‌های مناسب برای آموزش آن در کلاس درس است.

روش‌های مبتنی بر مشارکت دانش‌آموزان از ضرورت‌های آموزشی است. به عبارت دیگر محتوا روی درگیری مستقیم دانش‌آموزان در کسب تجارب یادگیری تأکید داشته و آنان را فعال می‌نماید. به همین دلیل در برنامه‌ی آموزش فلسفه بر آموزش «روش آموزش» بیش‌تر تأکید می‌شود تا آموزش مجموعه‌ای از اطلاعات؛ از این رو باید به دانش‌آموزان راه و رسم طرح مسئله و بحث و گفتگو از آن را آموخت. برای تحقق این هدف، بر استفاده از روش‌های فعال تدریس که در آن‌ها دانش‌آموزان در جریان یادگیری مشارکت فعال دارند، تأکید می‌شود.

از مهم‌ترین روش‌های فعال تدریس که در آموزش فلسفه و منطق می‌توان از آن‌ها استفاده کرد به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱- ایفای نقش:

در مباحث فلسفه‌ی سال سوم امکان استفاده از این روش وجود دارد، برای مثال دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از محاورات سقراطی ایفای نقش کنند و مباحث را به تصویر بکشند.

۲- روش توضیحی (سخنرانی):

اگرچه سهم این روش در رویکرد جدید کم‌رنگ است، اما همچنان به عنوان مکملی مناسب برای سایر روش‌های تدریس قابل استفاده است.

۳- پرسش و پاسخ

در این روش معلم با طرح پرسش‌های هدف‌مند و برنامه‌ریزی شده و سامان‌دهی به پاسخ‌های دانش‌آموزان، زمینه را برای تحقق اهداف درسی فراهم می‌کند. دقت در تهیه‌ی پرسش‌ها از سوی معلم و مدیریت مناسب جلسه‌ی پرسش و پاسخ به ویژه از جهت تنظیم زمان در این روش اهمیت زیاد دارد. برای مثال بهتر است روند پرسش‌ها از مسایل ساده و ملموس به سمت مباحث پیچیده باشد.

۴- روش طرح پرسش‌های بنیادی:

در این روش، با ارائه‌ی سؤالاتی از طرف معلم، یادگیرندگان در موقعیتی مسئله‌دار به سمت و سوی پرسش اصلی قرار می‌گیرند و یا خود را در چنین موقعیتی می‌یابند. سؤالاتی که با تکرار آن‌چه که دانش‌آموزان قبلاً یاد گرفته‌اند، نتوانند آن‌ها را جواب دهند یعنی سؤالاتی که دانش‌آموزان را به اندیشیدن وادار کنند و پیش بردن آن تا طرح پرسش بنیادین و توصیه دادن به پاسخ‌های احتمالی از جمله پاسخ‌های متعارف حکما و فلاسفه‌ی موردنظر. مسئله را می‌توان به صورت فرایندی در نظر گرفت که به وسیله‌ی آن، یادگیرنده ترکیبی از مطالب پیش‌تر آموخته شده را کشف می‌کند و می‌تواند برای رسیدن به راه‌حلی برای یک موقعیت جدید از آن‌ها بهره‌گیرد و در طی این فرایند به یادگیری جدید نایل شود. باید توجه داشت که در فلسفه همواره طرح پرسش مهم‌تر از پاسخ است و اهمیت سلوک فکری و گفتمان (discourse) فیلسوف از این حیث جلوه‌ی بیش‌تری دارد یعنی توجه به این‌که او به چه مسائلی التفات کرده و چگونه از آن‌ها بحث کرده است.

۵- روش‌های همیاری ۱:

الف - بحث گروهی:

از روش‌های فعال و مشارکتی تدریس، روش بحث گروهی است. در این روش «گروه‌های دانش‌آموزی» نقش محوری دارند. اعضای هر گروه با نظارت و هدایت معلم به گفتگو درباره‌ی موضوع تعیین شده می‌پردازند و سپس جمع‌بندی کار گروهی را به کلاس ارائه می‌کنند. پس از ارائه‌ی همه یا تعدادی از گروه‌ها معلم با توضیحات خود یافته‌های گروهی را در جهت اهداف درس هدایت می‌کند. گروه‌بندی مناسب و متعادل دانش‌آموزان تعیین دستور کار گروه‌ها، نظارت بر کار آن‌ها و مدیریت زمان از جمله نکات مهم در اجرای این روش است.

ب- روش تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف (تدریس اعضای تیم ۲)

در این روش، کلیه‌ی دانش‌آموزان به جای معلم در تدریس درس شرکت دارند ویژگی اصلی این روش، مشارکت فعال دانش‌آموزان در انتقال مفاهیم و مطالب درسی به سایر دانش‌آموزان است. در یادگیری از طریق تدریس اعضای تیم، تفاوت افراد گروه باعث کارآمد شدن یادگیری می‌شود. یکی از هدف‌های یادگیری از طریق همیاری این است که دانش‌آموزان یاد بگیرند با هرکسی کار کنند و از این طریق موجب بالارفتن پیشرفت تحصیلی فراگیران و ایجاد ارتباط مثبت و انتقال تجاربی می‌شود که به آن‌ها نیاز دارند. وقتی دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف مشترکی کار می‌کنند، فعالیت آموزشی تبدیل به فعالیتی می‌شود که تمام همسالان به آن ارزش می‌دهند و دانش‌آموزان انگیزه‌مند می‌شوند تا به یادگیری هم‌دیگر کمک کنند.

۱-Colaborative

۲-The team Member Teaching

ج- طرح کارآیی تیم ۱:

در این روش، موضوع درسی در قالب متن ارائه می‌شود بعد سؤالاتی داده می‌شود که محتوا را تحت پوشش قرار می‌دهد. می‌توان دو نوع سؤال طرح کرد که یکی را در خود طرح یادگیری و دیگری را در پس آزمون به منظور ارزیابی درک فردی مورد استفاده قرار داد. سؤال یا سؤالات باید طوری طرح شوند که از فراگیر بخواهد موضوع درسی را به گونه‌ای به کار ببرد، نتیجه‌گیری کند و یا از اصولی که قبلاً ارائه شده، استنباطی داشته باشد. بنابراین، سؤالات باید طوری باشند که گرفتن نمره‌ی خوب نتیجه‌ی گوش دادن، تفکر کردن، مباحثه، ارزیابی شواهد و... باشد.

۴- ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

ارزش‌یابی، یک فرآیند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات است که تعیین می‌کند هدف‌های مورد نظر تا چه میزانی تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن‌اند. ارزش‌یابی یکی از ارکان مهم آموزش و پرورش است و نقش آن به‌طور اخص نظارت بر تغییرات رفتاری دانش‌آموزان و به‌طور اعم نظارت به کارآیی سایر عناصر آموزش و پرورش (هدف، برنامه، روش و...) است.

ملاک مهم برای انجام ارزش‌یابی درست، هدف‌های آموزشی است؛ بنابراین، ارزش‌یابی باید متناسب با اهداف و انتظارات آموزشی باشد و روش‌ها و ابزارهای آن باید به گونه‌ای انتخاب شوند که امکان اندازه‌گیری و قضاوت در مورد میزان تغییرات حاصل را در دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان میسر سازد.

در رویکرد جدید آموزش فلسفه و منطق، اهداف در سه حیطه‌ی «دانش، مهارت، نگرش» مطرح می‌شود بدیهی است، ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز باید به صورتی طراحی شود که ناظر بر هر سه زمینه‌ی سابق الذکر باشد.

الف- نوع و الگوی ارزش‌یابی

۱- ارزش‌یابی مستمر: با توجه به نوع فعالیت‌های قابل سنجش و اندازه‌گیری که در قسمت قبل بیان گردید، ارزش‌یابی مناسب با این درس، ارزش‌یابی مستمر می‌باشد. ارزش‌یابی مستمر یا تدریجی و تکوینی به معنای ارزش‌یابی براساس آزمون‌های پایانی ولی در مقیاس کوچک‌تر و با تعداد بیش‌تر نیست. بلکه به معنای ارزش‌یابی «تکوینی»، «رشد دهنده» و «سازنده» است.

خصلت عمده‌ی این ارزش‌یابی در پویایی و گستردگی آن است و از معلم انتظار اقداماتی فراتر از آزمون‌های سنتی دارد تا تصویر کلی از تمامیت شخصیت دانش‌آموز ارائه دهد. از نتایج این نوع سنجش و ارزش‌یابی در جهت رشد و ارتقای دانش‌آموز استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه این که از هر دانش‌آموز توقع رشد و بالندگی را در حد توان خود او دارد. این ارزش‌یابی به معلم اطلاعات مستند و معتبری می‌دهد تا براساس آن اطلاعات بتواند مرحله‌ی بعدی تدریس خود را طراحی کند. این نوع سنجش، برای هر دانش‌آموز، قابلیت رشد و پیشرفت قائل است و برای آموزش هر دانش‌آموز برنامه‌ی خاصی را طراحی می‌کند. در این رویکرد، فرایند ارزش‌یابی با فرایند آموزش درهم تنیده، جاری و مستمر است.

ارزش‌یابی مستمر دارای ویژگی‌های زیر است:

- این ارزش‌یابی جزئی از فرایند آموزش است.

- به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر می‌سازد.

- در تمام موضوعات درسی قابل اجرا است.

- دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خودارزیابی را در آنان تقویت می‌کند.

- معلم را قادر می‌سازد تا به طور منظم دانش آموزان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد و عواملی را که مانع پیشرفت آنان است، شناسایی کند.

- معلم را در فرایند تجربه‌اندوزی قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا علایق دانش آموزان را شناسایی کند، سطح فعالیت‌ها (سادگی یا دشواری آن‌ها) و مفاهیم را به درستی بسنجد.

- معلم را قادر می‌سازد تا از طریق ارزش‌یابی‌های متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد، اطلاعات کافی برای ارزش‌یابی معتبر دانش آموز جمع‌آوری کند.

- ارزش‌یابی مستمر، دانش آموزان را در فعالیت‌های متفاوتی می‌سنجد که شرایط سنجش آن‌ها یکسان نیست اما نباید تصور شود این امر، اعتبار قضاوت را خدشه‌دار می‌کند. معلم باید با درجه‌بندی فعالیت‌ها قضاوت نهایی را خود انجام دهد و به تشخیص خود اعتماد کند.

باتوجه به آنچه درباره‌ی ارزش‌یابی مستمر گفته شد، ارتقای آموزش از طریق این سنجش به عوامل

اساسی زیر وابسته است:

- بازخورد مؤثر به دانش آموزان

- درگیر کردن مؤثر دانش آموزان در فرایند یادگیری

- استفاده از نتایج سنجش در طراحی تدریس

- درک و توجه به تأثیر غیرقابل تردیدی که شیوه‌ی سنجش و ارزش‌یابی بر ایجاد علاقه و اعتماد

به نفس در دانش آموزان دارد.

- توانا کردن دانش آموزان در ارزیابی خود و تصمیم‌گیری برای پیشرفت و ارتقا.^۱

۱- طاهره رستگار، ارزش‌یابی در خدمت آموزش، ص ۱۲۳. (از ارزش‌یابی مستمر تا این قسمت)

۲- ارزش‌یابی پایانی:

این ارزش‌یابی که به ارزش‌یابی مجموعی یا تراکمی نیز مشهور است، در پایان هر دوره‌ی آموزشی انجام می‌شود و معلم با استفاده از آن، آموخته‌های دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند. این ارزش‌یابی معمولاً به هدف تصمیم‌گیری برای ارتقا به کلاس بالاتر، رتبه‌بندی یا اعطای امتیازات معین انجام می‌گیرد. در این نوع ارزش‌یابی می‌توان یادگیری متراکم فراگیران را در طول یک دوره‌ی آموزشی اندازه‌گیری کرد. این نوع ارزش‌یابی نمونه‌ی کاملی از محتوای درس و اهداف آموزشی را در بر می‌گیرد و در پایان هر نیم‌سال به صورت کتبی و براساس بارم‌بندی مشخص انجام می‌شود.

ب- روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی:

برای اندازه‌گیری دقیق پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان، لازم است بر حسب انواع روش‌های تدریس و ارزش‌یابی از ابزارهای مختلف استفاده شود:

- ۱- انواع آزمون‌ها مثل آزمون‌های تشریحی، چندگزینه‌ای و
 - ۲- فعالیت‌های کلاسی شامل ارائه‌ی گزارش‌های کتبی و شفاهی از طرف یادگیرندگان به صورت فردی یا گروهی، انجام‌دادن تحقیق و شرکت در جلسات بحث و گفت‌وگو.
- چک‌لیست برای ارزش‌یابی از فعالیت یادگیرندگان که لازم است به گونه‌ای تهیه شود که متناسب با موضوع درسی باشد. معلم برای ایجاد سهولت در ثبت مشاهدات، فهرستی از حدود انتظارات خود را در هنگام انجام هر فعالیت توسط دانش‌آموز به صورت چک‌لیستی تنظیم می‌کند و ارزش‌یابی فردی یا گروهی از دانش‌آموزان را براساس حاصل کار آن‌ها فراهم نماید. فعالیت‌های زیر نمونه‌هایی هستند که معلم می‌تواند در هنگام ثبت مشاهدات در نظر داشته باشد و میزان توانایی و موفقیت دانش‌آموزان را ارزش‌یابی نماید:

درک رابطه‌ی عنوان با مطلب، رابطه‌ی اجزای مطلب با هم و با کل مطلب، جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی یک مطلب، برقراری رابطه میان آن اطلاعات، تعریف روشن یک مفهوم، توانایی استدلال درباره‌ی یک مجهول، بیان مشاهدات، مقایسه‌ی دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت‌ها، بیان داستان، نتیجه‌گیری از داستان و یک واقعه، اعلام‌نظر درباره‌ی عوامل داستان و واقعه، درک رابطه میان چند مفهوم پاسخ‌گویی به سؤال جدید، تطبیق خود و محیط زندگی برآموزه‌های فلسفی تحقیق پیرامون یک موضوع، بیان شباهت‌ها، ذکر تفاوت‌ها، توانایی پاسخ به سؤالات دیگران، بیان نمونه‌ها و مصادیق، توانایی تطبیق با مصادقات‌های خارجی، ذکر فواید و نتایج یک عقیده یا عمل، بیان یا تکمیل استدلال، توصیف یک شخصیت، محیط، طبیعت و عمل، تفسیر یک عمل، یک بیان، یک شعر و تفکیک میان دو مفهوم یا صفت یا عمل با ذکر ملاک تفکیک.

ج- توصیه‌های مهم درباره‌ی ارزش‌یابی

برای انجام دادن هر چه بهتر فرآیند ارزش‌یابی توجه به نکات زیر ضروری است:

- ۱- برای سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان به جز موارد محدود و ضروری حفظ کردن عین محتوای کتاب درسی ملاک قضاوت قرار نگیرد. بلکه بیان مفهوم و چارچوب موضوع مورد پرسش و اشاره به نکات اصلی آن با هر زبانی کافی است. این مسئله به ویژه برای ارزش‌یابی در سطوح بالاتر یادگیری (مانند نقد و بررسی) اهمیت دارد.
 - ۲- ارزش‌یابی نباید به گونه‌ای انجام شود که به تکرار بیش از اندازه‌ی آزمون‌های کتبی بینجامد و محتوای کتاب درسی به مجموعه‌ای از سؤال و جواب تبدیل گردد.
 - ۳- انواع ارزش‌یابی‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری در نظر گرفته شده در برنامه، مورد استفاده قرار گیرد.
 - ۴- برای طراحی پرسش‌های امتحانی فقط به آن سؤال‌هایی در کتاب درسی به عنوان نمونه آورده شده، بسنده نشود و همه‌ی محتوا مد نظر قرار گیرد.
- در تنظیم برنامه امتحانات پایانی حداقل یک روز فرصت برای مطالعه دانش‌آموزان در نظر گرفته شود.

بخش سوم

توصیه‌های اجرایی برنامه

۱- روش‌های ترویج و تثبیت برنامه

اجرای هرچه بهتر یک برنامه درسی، منوط به برقراری ارتباط مؤثر میان برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب درسی با معلمان و سایر افرادی است که به نحوی در اجرای برنامه تأثیرگذار هستند. بخصوص معلمان به عنوان مجریان اصلی برنامه درسی و نیز واسطه‌ای برای اشاعه برنامه (در میان دانش‌آموزان، مدیران، خانواده‌ها و...) باید در جریان تمامی مراحل اجرایی برنامه و حتی جزئی‌ترین مسایل مربوط به محتوای کتاب درسی قرار گیرند. مهم‌ترین شیوه‌ها و فرصت‌های موجود برای این کار عبارت است از:

۱- ارسال راهنمای برنامه‌ی درسی (متن حاضر) به گروه‌های آموزشی برای بررسی و اظهارنظر. این کار که در ضمن بخشی از فرآیند اعتبار بخشیدن صورت می‌گیرد، علاوه بر افزودن بر غنای برنامه، موجب آشنایی مقدماتی معلمان با برنامه درسی و کسب آمادگی برای مشارکت در اجرای آن می‌شود.

۲- تشکیل دوره‌های آموزشی کوتاه مدت پس از تألیف کتاب و قبل از تدریس آن برای دبیران. در این دوره‌ها برنامه‌ریزان و مؤلفان، دبیران را در جریان اهداف، محتوا و روش‌های تدریس و ارزش‌یابی قرار می‌دهند.

۳- تألیف کتاب معلم یا راهنمای تدریس برای کتب درسی فلسفه از لوازم ضروری برای تدریس آنهاست. در این کتاب اهداف، رویکرد و... درس تشریح می‌شود و روش‌های تدریس و ارزش‌یابی مواد و وسایل آموزشی و کمک آموزشی و توضیح اعلام و اصطلاحات ارائه می‌شود.

۴- تشکیل گردهمایی برای سرگروه‌های استان‌ها به صورت متمرکز و جلسات استانی و منطقه‌ای برای معلمان با حضور برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب درسی، این گردهمایی‌ها و جلسات که در طول سال‌هایی اجرای برنامه به تناوب برگزار می‌شود، موجب حفظ رشته ارتباط میان دست‌اندرکاران تدوین و اجرای برنامه و نیز دریافت بازخورد و در صورت نیاز اصلاح و تکمیل برنامه به محتوای کتاب درسی می‌شود.

۵- توجیه برنامه از طریق شبکه‌ی آموزشی صدا و سیما برای آشنایی خانواده‌ها با اهداف دروس فلسفه.

۶- درج مقالات مربوط به آموزش فلسفه در مجله‌ی رشد معارف اسلامی.

۷- درج مقالات آموزشی مناسب در مجلات و روزنامه‌های عمومی کشور.

۲- صلاحیت‌های حرفه‌ای مخاطبان

الف- گروه‌های تولید

- ۱- اهداف تعلیم و تربیت از منظر دین مبین اسلام را می‌شناسند.
- ۲- با رویکرد فرهنگی- تربیتی آشنا هستند و در تألیف و اجرا به کار می‌گیرند.
- ۳- هدف‌ها و محتوای برنامه درسی را می‌شناسند.
- ۴- راهبردهای یادگیری را می‌شناسند و می‌توانند بین محتوا و روش در متن کتاب درسی پیوند برقرار کنند.
- ۵- در سازمان‌دهی محتوای کتاب مهارت دارند.
- ۶- در برقراری ارتباط محتوای کتاب با سایر کتاب‌های درسی موازی توانایی دارند.
- ۷- رسانه‌های گوناگون را می‌شناسند و می‌توانند در هر یک از آن‌ها محتوای متناسب قرار دهند.
- ۸- هر یک از مواد آموزشی را می‌شناسند و از محدودیت‌های آن‌ها آگاهی دارند.
- ۹- نسبت به ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی نگرش مثبت دارند و از بازخورد آن برای اصلاح برنامه استقبال می‌کنند.
- ۱۰- در انتخاب و سازمان‌دهی عکس، تصویر و عناصر مشابه در متن محتوا توانایی دارند.
- ۱۱- توان سازگاری با دو گونه نظم در برنامه‌ی درسی را دارند:
- ۱- تربیت تعلیمی که ملاک آن عبور از سادگی به پیچیدگی است.
- ۲- تربیت منطقی که ملاک آن عبور از مبادی و مقدمات به توابع و نتایج است.

ب- معلمان

عمومی:

- ۱- با اهداف تعلیم و تربیت از منظر دین مبین اسلام، آشنا هستند.
- ۲- با رویکرد فرهنگی- تربیتی آشنا هستند.
- ۳- شخصیت و منش آنان برگرفته از دین مبین اسلام است.
- ۴- با کلیات روش‌های تدریس و ارزش‌یابی آشنایی دارند.

۵- با کلیات روان‌شناسی تربیتی آشنایی دارند.

۶- داری سعه‌صدر هستند.

۷- با راه‌کارهای فناوری آموزشی و به‌کارگیری آن در فرایند یاددهی- یادگیری آشنایی دارند.

تخصصی:

۱- به ضرورت و امکان آموزش فلسفه باور دارند.

۲- به تدریس درس فلسفه علاقه‌مند هستند.

۳- ویژگی‌های بارز برنامه‌ی درسی را می‌شناسند.

۴- صلاحیت علمی و مهارت عملی لازم در تدریس بخش‌های مختلف فلسفه در دوره‌ی متوسطه و

پیش‌دانشگاهی را دارا هستند.

۵- رشته‌ی تحصیلی آن‌ها مرتبط با فلسفه است. (فلسفه، الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و

حکمت اسلامی و فلسفه و کلام اسلامی و دروس حوزوی معادل لیسانس گرایش فلسفه و کلام) و دارای

مدارک تحصیلی لیسانس و بالاتر از آن هستند.

ج- مجریان:

۱- تجهیزات و وسایل موردنیاز را برای اجرای برنامه‌ی درسی آماده کرده‌اند.

۲- امکانات و فرصت‌های موجود را برای اجرای مطلوب برنامه می‌شناسند و از آن‌ها به‌درستی استفاده می‌کنند.

۳- ویژگی‌های بارز برنامه‌ی درسی را می‌شناسند.

۴- از نظم و انضباط و قوت در عملکرد برخوردارند.

۵- صداقت و صراحت در انعکاس مشکلات پیش‌آمده را دارند.

۶- انعطاف و صبر در برخورد با مشکلات احتمالی در اجرای برنامه را دارند.

۷- روحیه‌ی همکاری و تعهد کاری دارند.

۸- از دقت و سرعت عمل لازم برخوردارند.

۳- مواد و امکانات آموزشی

الف - کتاب دانش آموز

ب- کتاب راهنمای معلم

ج- نرم افزارهای آموزشی از قبیل CD، فیلم، اسلاید

د- کتاب‌های کمک آموزشی ویژه‌ی دانش‌آموزان درحوزه‌ی فلسفه که فرصت را برای مطالعه‌ی

آزاد آن‌ها و تقویت تفکر فلسفی فراهم کند.

ه- کتاب‌های ویژه‌ی معلمان برای تقویت دانش آنان

و- نشریات دانش‌آموزی و معلمی برای تقویت دانش‌آموزان و معلمان در همکاری با این قبیل

نشریات و توانایی مقاله‌نویسی.

ز- سایت‌های مفید در حوزه‌ی فلسفه

۴- ارزش‌یابی مستمر از برنامه

اگر عناصر دخیل در برنامه‌ی درسی، به جز دانش‌آموز را عوامل برنامه‌ی درسی بنامیم، پیش از

ارزش‌یابی از دانش‌آموز باید این عناصر را مورد ارزش‌یابی قرار دهیم و حتی نوع ارزش‌یابی از دانش‌آموز

باید به نحوی تنظیم شود که به جای نشان دادن وضع هر دانش‌آموز به خودش، میزان کارکرد عوامل

ارزش‌یابی در برنامه را روشن کند. ممکن است این ارزش‌یابی سابقه نداشته باشد و به نظر مشکل آید اما

چگونگی این ارزش‌یابی و شیوه‌ی اجرای آن، نیازمند به شیوه‌نامه‌ای است که باید توسط دفتر برنامه‌ریزی

و تألیف کتاب‌های درسی تدوین شود. عمده‌ی عوامل مؤثر در آموزش عبارت‌اند از «راهنمای برنامه‌ی

درسی»، محتواهای آموزشی از قبیل کتاب دانش‌آموز و معلم، «معلم» و «فضا و امکانات آموزشی».

الف - راهنمای برنامه‌ی درسی: این برنامه که توسط برنامه‌ریزان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های

درسی تدوین می‌گردد، باید در دو مرحله ارزش‌یابی گردد: مرحله‌ی پس از تدوین و مرحله‌ی اجرا. در

مرحله‌ی پس از تدوین باید ارزش‌یابی شود تا اولاً مراحل تدوین را به درستی گذرانده باشد و ثانیاً از نظر

کارشناسان و متخصصین از اعتبار لازم برخوردار باشد.

در مرحله‌ی اجرا نیز باید ارزیابی و نقد گردد که عوامل موفقیت یا عدم آن تا چه میزان به برنامه مربوط می‌شود و تا چه اندازه به عوامل دیگر. یک ارزیابی مداوم در نسبت با عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز ضروری است که عوامل مستحدثه چه بخش‌هایی از برنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و تغییر در برنامه را ضروری می‌کنند. این ارزش‌یابی سبب می‌شود که برنامه متناسب با نیازها و ضرورت‌ها فرایند اصلاح را همواره طی کند

ب- محتوای آموزشی: محتوای آموزشی تهیه شده هم باید منطبق بر برنامه باشد و هم بتواند در مرحله‌ی اجرا موفق باشد. به همین جهت هم نیازمند اعتباربخشی نظری است و هم باید در مراحل مختلف اجرا موفق از میدان بیرون آید.

این ارزیابی که باید از سوی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف انجام گیرد، نیازمند ایجاد فرایندی است که به طور مداوم میان آموزش در مدرسه و «برنامه» و «محتوا» در رفت و آمد باشد و به تکامل دائمی مجموعه‌ی عناصر برنامه منجر شود.

ج- معلم: مهم‌ترین بخش ارزش‌یابی عوامل بیرونی، ارزش‌یابی از عملکرد معلم است که رکن آموزش محسوب می‌شود. معلم این درس علاوه بر توانمندی در تدریس و بیش از آن نقش الگویی اوست که در تربیت مؤثر واقع می‌شود. عموم دانش‌آموزان از چنین نقشی به نحو مثبت یا منفی سخن می‌گویند. ارزش‌یابی از عملکرد معلم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که باید توسط متخصصین و معلمین کاردان و مقبول صورت گیرد. این ارزش‌یابی باید متکی بر لیست مشاهده‌ی توانایی تدریس، توانایی پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان و نظرات دانش‌آموزان درباره‌ی وی باشد. سختگیری درباره‌ی معلم فلسفه گرچه در کوتاه مدت زمینه را برای عدم استقبال آماده می‌کند اما از آثار مخرب حضور معلم ناتوان در کلاس به تدریج جلوگیری می‌کند.

شیوه‌نامه‌ی ارزش‌یابی از عملکرد معلم و استانداردهای آن باید توسط دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی تدوین شود. ارزش‌یابی از عملکرد خود توسط معلم نیز ضروری است. در این ارزش‌یابی، به جای این که فقط از دانش‌آموزان انتظار بهبود رفتار داشته باشیم، امید می‌رود که مطابق داده‌های ارزش‌یابی شیوه‌های کار دبیر نیز ارتقا یابد. با این کار مشخص می‌شود که نقاط قوت و ضعف دبیر در کجاست، کدام روش مؤثرتر و کدام شیوه کم‌اثرتر است. نقطه‌ی قوت دیگر این ارزش‌یابی، آن است که دبیر می‌تواند عملکرد خود در تحقق اهداف را پیگیری کند. این ارزش‌یابی توسط خود دبیر انجام می‌شود و نتایج آن نزد خودش محفوظ می‌ماند.

چند پیشنهاد برای تحقق بهتر اهداف برنامه‌ی درسی

۱- تغییر و اصلاح نظام ارزش‌یابی و امتحانات با توجه به رویکردهای جدید برنامه.

۲- بازنگری در ضوابط و کیفیت کنکور:

الف: بازنگری در کیفیت سوالات کنکور (آن‌چنان که سطوح بالاتر یادگیری را نیز مورد سنجش

قرار دهد و بر مفاهیم اساسی محتوا تأکید داشته باشد)

ب: مؤثر کردن نمرات درسی دوره‌های متوسطه و پیش‌دانشگاهی برای راه‌یابی به دانشگاه.

۳- بازنگری در برنامه‌های آموزشی رشته فلسفه در تربیت معلم

۴- با توجه به این که دروس فلسفه و منطق دو درس کاملاً تخصصی و از نظر محتوایی منفک از

یکدیگرند لذا تلفیق ارزش‌یابی این دو درس در سال سوم متوسطه براساس بررسی‌های به عمل آمده

افت شدید تحصیلی و تشدید اضطراب و نگرانی دانش‌آموزان را به دنبال داشته است مضافاً این که

این درس در کنکور سراسری بعد از درس ادبیات بیش‌ترین تعداد سؤال را به خود اختصاص

می‌دهد. بنابراین ضروری است از مسئولین ذیربط درخواست گردد این دو درس تفکیک یا

ارزش‌یابی پایانی آن‌ها به صورت مجزا برگزار شود. هم‌چنین با توجه به پر حجمی و گستردگی

مطالب در درس‌های منطق و فلسفه، این دو مجموعاً از سه واحد به چهار واحد درسی (۴ ساعت در

هفته) تغییر یابد.

در مورد فلسفه پیش‌دانشگاهی مناسب است این درس به جای تدریس در یک ترم در طول سال

تدریس گردد.

۵- چنانچه با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش منطق از فلسفه‌ی سال سوم جدا و به سال دوم

متوسطه منتقل شود، می‌توان بخش یکم فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی را به فلسفه‌ی سال سوم منتقل نمود.

منابع :

- ۱- ملکی، فخری؛ «برنامه‌ی درسی منطق و فلسفه در چند کشور جهان»
- ۲- بهرام، معصومه؛ «بررسی و ارزیابی تطبیقی کتاب‌های منطق و فلسفه تألیف شده در دوره‌ی سی‌ساله‌ی آموزش و پرورش ایران»، (۱۳۵۲-۱۳۸۲)
- ۳- دکتر قراملکی؛ «جهت‌گیری‌های آموزش فلسفه و منطق در دوره‌ی دبیرستان»، ۱۳۸۰
- ۴- بهرام، معصومه؛ «جایگاه تفکر منطقی - فلسفی در کلیات نظام آموزش و پرورش و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۲
- ۵- علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری «آثار فلسفی»
- ۶- ژان وال؛ «مابعدالطبیعه»
- ۷- کاپلستون؛ «تاریخ فلسفه»
- ۸- ابن‌سینا؛ «شفا و الاشارات و التنبیحات»
- ۹- ملاصدرا؛ «المبدء و المعاد»